

# وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری



دانشکده هنرهای تجسمی

پایان نامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته تصویرسازی

## عنوان

زبان و بیان تصویرسازی در موسیقی ( سمفونی ها )

استاد راهنما

محمد رضا دادگر

عنوان بخش عملی

تصویرسازی نه سمفونی انتخابی

استاد راهنمای بخش عملی

محمد رضا دادگر

استاد مشاور

جواد سلیمی

نگارش و تمقیق

بهناز علیزاده شمس آبادی

مهرماه 1390

## چکیده فارسی:

اولین معیار برای قرار دادن هر چیزی توسط طراح و کشیدن هر تصویری، ارزش ارتباطی آن است، این موضوع چه چیزی را به بیننده می دهد؟ این سوالی است که طراح باید از خود بپرسد، ما نمی توانیم هر چیزی که به موضوع کمک نمی کند را بی جهت به کار ببریم. بنابراین هرگاه تصویرها ارتباط مستقیم با موضوع داشته باشد برای خواننده جذاب خواهد بود. یک تصویر خوب باعث جذب خواننده می شود، موضوع را کامل کرده تا موسیقی بهتر درک و در ذهن او صحنه سازی شود و مخاطب را به شنیدن ترغیب می کند.

تصویر براساس هدفی ساخته می شود که اگر آن هدف را تامین نکند، نه تنها به موارد اشاره شده کمکی نمی کند، بلکه باعث سردرگمی خواننده نیز می شود.

موسیقی و تصویر هر دو ابزاری برای ارتباط به شمار می آیند. با قرار دادن این دو کنار یکدیگر، که هر کدام به گونه ای متفاوت با مخاطب ارتباط برقرار می کنند.

در اینجا قصد بر این است که آنها را مکمل یکدیگر قرار داده و مفهوم قطعه موسیقی را به صورت تصویری روشن تر سازیم.

واژگان کلیدی: بیان، هنرهای زیبا، هنر تصویر، تصویرسازی، موسیقی، سمفونی

چکیده

مقدمه ..... 2

فصل اول: کلیات

طرح مسئله و پیشینه تحقیق ..... 6

اهداف و سوالات تحقیق ..... 8

طراحی تحقیق ..... 8

فصل دوم: هنر موسیقی

موسیقی و تصویرهای انسانی ..... 12

موسیقی در دوره های مختلف ..... 15

سرچشمه های موسیقی ..... 15

موسیقی کلاسیک ..... 19

موسیقی رومانتیک ..... 19

مختصری از تاریخچه سمفونی و سونات ..... 20

فصل سوم: تصویرسازی

مروری بر تاریخچه تصویرسازی ..... 24

تصویرسازی در دوره بیزانس ..... 25

هنر رومی در تصویرسازی ..... 26

سبک گوتیک در هنر تصویرسازی ..... 27

28	.....	تصویرسازی در فرانسه در قرن چهاردهم و پانزدهم
31	.....	تزئین راندولت و تاثیر وی در تصویرسازی
32	.....	سبک باروک در هنر تصویرسازی
33	.....	هنر تصویرسازی فرانسوی در قرن هفدهم
34	.....	سبک روکوکو در هنر تصویرسازی
35	.....	هنر تصویرسازی در عصر ناپلئون
35	.....	کتاب آرایبی معاصر در اروپا

### فصل چهارم: بررسی گرایش های موسیقی و تبدیل آن به تصویر

40	.....	موسیقی و ماهیت آن
42	.....	زبان فرم و رنگ
47	.....	موسیقی و برگردان تصویری
50	.....	هماهنگی موسیقی و تصویرسازی
53	.....	انواع گوش کردن به موسیقی
56	.....	مقایسه برخی مبانی
61	.....	موقعیت سازها در موسیقی
62	.....	بافت موسیقی
62	.....	کاراکتر سازها
66	.....	هارمونی و کنتراست
56	.....	گونه های موسیقی

## نتیجه گیری

### فصل پنجم: شرحی بر بخش عملی

- 73 ..... تارتیری  
سونات ابلیس
- 74 ..... لودویک ون بتهوون  
سمفونی شماره پنج
- 81 ..... شارل کامیل سن سانس  
رقص مردگان  
کارناوال حیوانات
- 85 ..... موسیقی فولکلور  
مدست موسرگسکی
- 85 ..... شبی برفراز کوه سنگی
- 86 ..... ریمسکی کرساکف  
سویت سمفونیک شهرزاد
- 90 ..... کلود دبوسی  
دریا
- 92 ..... آلبرت کتلی  
در بازار ایران

93 ..... موسیقی نو ( آوانگارد )

94 ..... کریستف پندرسکی

مرثیه قربانیان هیروشیما

97 ..... تصاویر الهام بخش در پروژه عملی

99 ..... تصویرسازی سمفونی های انتخاب شده برای بخش عملی

108 ..... فهرست واژگان

111 ..... فهرست منابع و مآخذ

## مقدمه

تصویرسازی هنری است که در آن تصویرگر به مصور کردن یک موضوع که نه صرفاً متن بلکه هر موضوع دیگری که در اینجا بیان تصویری قطعه ای از موسیقی است اقدام می کند.

مصورسازی در طول تاریخ دچار تغییر و تحول های بسیار شده است و با توجه به این نکته که در هر زمان برای هدفی به کار رفته است هنرمندان هر دوره به شکل و بیانی جداگانه دست یافته اند. در ابتدای تاریخ، انسان اوهام و آرزوها و نیز مقاصد فرا دنیوی خود را به تصویر کشیده و با موسیقی و سازها و صداهایی که در آن دوران می توانسته ایجاد کند خود را بیشتر در آن اوهام غرق می کرده است.

هم اکنون طراحان گرافیک بسیاری به حرفه تصویرسازی مشغول می باشند که هرکدام با شیوه و تکنیک خاصی کار خود را انجام می دهند. آنچه مسلم است تمامی این تصاویر براساس اهدافی خلق می شوند. به طور کلی می توان اهداف تصویرسازی را تحت عنوانین زیر نام برد:

1- درک بهتر موضوع

2- کامل کردن مطلب به وسیله تصویر

3- جذب مخاطب

4- زیباسازی

5- ارائه اطلاعات

گاهی هدف اصلی یک تصویرساز، کمک و راهنمایی به درک مفاهیم موضوعی است که تجسم و فهم آن برای مخاطب دشوار است به همین جهت یک تصویرساز علاوه بر داشتن خلاقیت در درک مطلب و ترجمه آن به زبان تصویر باید بتواند با ارائه تصویری غنی و منطقی، موضوع مورد

نظر را کامل تر کند. یک تصویرگر با مهارت ها و خلاقیت های خود باید اثری ارائه دهد که چیزی بیشتر از موضوع داشته باشد.

علاوه بر کمک به درک بهتر موضوع، جذب مخاطب و ترغیب او توسط تصویر بی شک از دیگر هدف های تصویرساز است. تصویر باید نوعی جذابیت داشته باشد که خواننده را به ادامه دادن مسیر موضوع هدایت کند.

مرتضی ممیز در کتاب تصویر و تصور خود می گوید: « ارزش و توانایی تصویرگر در انتقال برداشت های حسی درست و هنرمندانه اش از موضوع است. میزان درستی برداشت تصویرگر بستگی به میزان خلوص بیان او دارد که خود متکی به عوامل گوناگونی از جمله تجربه و مهارت و از همه مهمتر دل سپردگی کامل به کار و شفافیت روح اوست. خلوص بیان، به کار حالتی سهل از جهت درک و پذیرش آن بوسیله بیننده و ممتنع از جهت ایجاد و استحکام اجرایی آن می دهد. رسیدن به خلوص، تمرینی پیگیر و موشکافانه می خواهد. باید همیشه نگاهی جستجوگر داشت و دائم همه دریافت ها را محک زد و هر محکی را با محک دیگر اندازه زد. تجربه را با تجربه ای دیگر، تجربه را با حس و حس را با تجربه و حس را با واقعیت که تا بالاخره و به تدریج و آرام آرام نگاه و فکر، ظریف شوند و خبره گردند و خبرگی رانیز باید مرتب محک زد و صیقل داد، چرا که زود کدر می شود و می - پوسد.» (ممیز، 1368)

تصویری معمولی که دارای شرایط ذکر شده نباشد نه تنها به بیان موضوع کمک نمی کند بلکه باعث می شود تا از اهمیت آن نیز کاسته شود. تصویر علاوه بر اهدافی که در بطن خود دارد به تنهایی و جدای از موضوع دارای معنی است و به تنهایی ارتباطی از لحاظ بصری با خواننده برقرار می کند بنابراین هرگاه در تصویری این توانایی باشد اثر طراحی شده دارای ارزش بیشتری می شود.



از مواردی که تصویرگر باید رعایت کند، هماهنگی بین ایده نهفته در موضوع و طرح ارائه شده است. درک تصویرگر از فضای نقوش شخصیت ها (در اینجا ایده موزیسین) می تواند یک اثر هنری خلق شود، به عنوان مثال در مورد اتفاقی که در رابطه با یک روستاست، اگر لباس های شهری برای شخصیت ها استفاده شود بین هدف اصلی موضوع و تصویر تضاد به وجود می آید و در صورتی که درست و به جا استفاده شود به درک موضوع کمک می - کند. مطابقت اجرایی تصویر با متن نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است که باید به دقت مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. استفاده از تکنیک مناسب، هماهنگی نحوه اجرای تصویر با موضوع دارای اهمیت خاصی است و باید با دقت انجام گیرد.

هماهنگی بین فرم ها، ترکیب بندی و... با نهایت دقت و وسواس صورت بگیرد. برای اینکه بتوانیم تصویری بدون نقص و مطابق با موضوع ارائه دهیم باید علاوه بر نکات فنی، نکات دیگری را هم رعایت کنیم از مهمترین آن ها می توان به درک عناصر بصری (نقطه، خط، سطح، حجم، بافت و...) و کیفیت بصری (ریتم، حرکت، فضا، تضاد، پرسپکتیو، ترکیب بندی و...) اشاره کرد.

تصویرساز برای مصور کردن یک قطعه موسیقی بهتر است این عناصر را به عناصر درک موسیقی تعمیم دهد و آن ها را علاوه بر اینکه می بیند در قطعه موسیقی بشنود. وقتی قرار باشد در یک تصویر یک قطعه بیان شود هدف این است که مخاطب را تا پایان قطعه در پای تصویر نگه داریم تا هم موسیقی و هم تصویر در کنار هم جاذب مخاطب گردند و وی را بیشتر در فضای مورد نظر قرار دهند. برای این کار سعی شد تصاویری پر جزییات که موسیقی، راوی داستان آنهاست، مخاطب را تا پایان قطعه بر پای تصویر نگه دارد.

هر تصویر از دو بخش عمده تشکیل شده است: ایده و اجرا. برای اینکه یک تصویر قابل قبول داشته باشیم، ابتدا تصویرگر باید درک درست و اطلاعات کافی از موضوع داشته باشد. (این برداشت بستگی به مهارت، تجربه و علاقه طراح نسبت به کارش است.) سپس ایده ای مناسب برای آن موضوع، به طوری که علاوه بر خلاقیت و نوآوری با موضوع مورد نظر هماهنگی داشته باشد، درضمن این ایده نباید صرفاً ترجمه ای از موضوع باشد که به صورت تصویر ارائه شده است، بلکه این ایده باید موضوع را کامل کرده و یک قدم جلوتر از آن باشد. برای اجرای اثر به طور معمول تصویرساز دست به پیش طرح هایی می زند، تا حال و هوای کلی طرح از نظر ترکیب بندی، نوع تکنیک، فرم ها و رنگ ها به دست بیاید. کار در این مرحله از اهمیت ویژه ای برخوردار است و باعث می شود که طراح به تدریج نکات جدید و قابل توجهی را به دست بیاورد و نقاط ضعف کار را از میان بردارد. در این تحقیق در نظر داریم به نوعی به ترجمه بیان این مبانی از هنر موسیقی به هنر تصویری بپردازیم و احساسات هنرمند موزیسین را در یک اثر موسیقایی به صورت تصویر نمایش دهیم تا تصویر به نوعی مکمل صوت گردد. در بیشتر قسمت های این مجموعه سعی شده است از تعاریف اضافی و مطالب گفته شده برای جلوگیری از تکرار مکررات خودداری شود، مگر در مواردی که واقعا نیاز بوده است.

فصل اول

کلیات تحقیق

## طرح مسئله و پیشینه تحقیق

تحقیق حاضر به چگونگی بیان یک قطعه موسیقی به تصویر می پردازد.

موسیقی و تصویر هر دو از هنرهای تاریخ بشر می باشند، به تدریج بشر به شناخت مبانی هنر پرداخت و این را در هر هنر به نوبه ی خود تعمیم داد. مبانی هنر درکل و مفهومیشان یکسان هستند ولی در کاربرد و بیان در هنرها متفاوت می شوند. هنر فقط از آن انسان است، چون انسان است که به زیور دانایی آراسته می باشد، به کمک هنر است که انسان احساسات و عوالم درونی خود را بیان می دارد. هنر موسیقی و هنر تصویر هر دو از طرق بیان آگاهانه می باشند.

اینکه بشر چگونه توانست کشف کند که هنر ترجمات روح و احساسات او می باشد، سالهاست که مورد تحقیق است، ماهیت سحرآسای هنر را جز اینکه بتوان گفت عطیه خداست به طریق دیگری نمی شود توجیه کرد. در کل انسان برای هنر قراردادهایی را به عنوان مبانی در نظر گرفت تا بتواند احساسات خود را به زبانی به نام زبان هنر بیان کنند ولی این مبانی در هنرهای مختلف طبق قابلیت بیان هنرمند در آن هنر متفاوت است، مثلا بیان هنری هارمونی در موسیقی و هنر تصویری یکسان است ولی در نحوه بیان متفاوت است، و یا واژه ریتم به عنوان یکی از مبانی هنر هم در هنر موسیقی و هم در هنرهای تصویری مواجه می شویم و در هر دو این واژه به یک معناست ولی نحوه کاربردش با قابلیت آن هنر، بیان ریتم و القای آن به مخاطب را متفاوت می کند.

با مطالعه و بازگشت به تاریخچه موسیقی، هر سمفونی دارای پس زمینه ای تصویری است که این تصویر در ذهن هنرمند وجود داشته است که خواه به صورت خاطره ای از حادثه-ای بوده و خواه به صورت افسانه ای که دهان به دهان گشته و در ذهن او تصویر و طراحی صحنه را به وجود آورده و احساس او را تحت تاثیر قرار داده است و هنرمند احساس را به صورت صوت

بیان کرده است. این احساس متقابلا در هنرمند تصویرگر وجود دارد و وی می تواند با شنیدن اصوات رابطه تصویر و موسیقی را بیان کند، چون پایه هر دو احساس و هنر است.

تا آن جا که جستجو گردید، پیشینه تحقیق درباره آقای مهرداد رحیمی (1376) در پایان نامه خود، با عنوان «هنرهای تجسمی و موسیقی» به بررسی مبانی دوره های هنری و روان شناسی در این موضوع پرداخته اند.

خانم مژگان شجریان (1381) در پایان نامه خود، با عنوان «زبان موسیقایی فرم و رنگ در تصویر» به بررسی و مقابله معانی در هنرهای تجسمی با معانی در هنرهای شنیداری پرداخته اند و سرانجام توانایی های هنرهای شنیداری (موسیقی) و هنرهای تجسمی (نقاشی) را در ایجاد ارتباطات غیرکلامی با یکدیگر مقایسه کرده اند.

آقای مجید عباسی (1376) در پایان نامه خود، با عنوان «رنگ و صوت» به بررسی برخی ویژگی های هنرهای بصری و موسیقی پرداخته اند.

آقای محمد تقوی (1380) در پایان نامه خود، با عنوان «دیدن و شنیدن» به بررسی هنرهای دیداری و شنیداری پرداخته اند و قسمت هایی از مبانی را در قالب مقایسه مطرح کرده اند.

## اهداف و سوالات تحقیق

هدف اصلی تحقیق حاضر، زبان و بیان تصویر در موسیقی برخی از سمفونی ها است که در کنار آن به بررسی اهداف فرعی پژوهش که مقایسه رابطه انسان و تصویر با رابطه انسان و موسیقی است، می باشد.

برای شروع و بیان این موضوع، با سوالاتی که مجهولات ما را در این پژوهش واضح می سازند، آغاز

کردیم:

- رابطه انسان و احساسات درونی اش با هنر تصویری چگونه است؟
- رابطه انسان و احساسات درونی اش با هنر موسیقی چگونه است؟
- چگونه بطن تصویری و موسیقایی عوالم درونی را مقایسه کرد؟
- چگونه می توان سمفونی ها را به صورت تصویری بطن کرد؟

## طراحی تحقیق

در تحقیق حاضر بعد از تعریف مسئله و طرح سوالات و اهداف تحقیق، دیزاین پژوهش انجام پذیرفته است. مرحله ابتدایی این بخش با جمع آوری منابع، همراه بوده است. از آنجا که رشته تحصیلی تصویرسازی بیشتر با مطالعه بصری در ارتباط بوده است، برای پیشبرد تحقیق و جبران نواقص اطلاعاتی، پژوهشگر نیاز مبرمی به مطالعه منابع مکتوب مربوط به خلاصه ای از مبانی هنر موسیقی و تاریخچه سمفونی ها و سازندگان آنها و همچنین هنر تصویرگری و مختصری از تاریخچه آن و آشنایی با روش- های مطالعه و تحلیل این دو هنر داشته است. این منابع مکتوب ضرورتاً شامل منابع چاپی و الکترونیک بوده است. در این راستا، لیستی از منابع نیز تهیه گردید که البته بسیاری از منابع یافت شده دقیقاً درباره موضوع نبوده بلکه در آن ها به بحث درباره موضوعات مشابه پرداخته شده بود. از میان منابع یافت شده، آنان که موثق تر بوده و ارجاعات بیشتری به آنها صورت پذیرفته بود، انتخاب گردید. این منابع هم چنین، محقق را به منابع و مستندات دیگری راهنمایی کرد. نتیجه مطالعه منابع ذکر شده علاوه بر کمک به طراحی ساختار تحقیق، به صورت جمع بندی در فصول بعدی این پژوهش آمده است. بر این مبنا، فصل دوم به بحث در مورد تعریف کوتاهی از هنر موسیقی و مختصری از تاریخچه آن در ملل مختلف و توضیحی راجع به سمفونی پرداخته است. در فصل سوم نیز مختصری راجع به

هنر تصویرسازی و تاریخچه کوتاهی از آن گفته شده است. در فصل چهارم به مقایسه این دو هنر و چگونگی روابط آنها و تاثیراتشان بر هم و بررسی بیان تصویری یک قطعه موسیقایی پرداخته شده است. نتایج حاصل از این پژوهش در نتیجه گیری ذکر شده و ریشه های داستانی سمفونی های انتخابی و توضیح مختصری در رابطه با بیوگرافی آهنگسازان آن ها و گزارش کار عملی نیز در فصل پنجم، ارائه شده است.

فصل دوم

هنر موسیقی



آنچه امروزه در دنیا به عنوان « هنر » شناخته می شود، شکل های مختلفی دارد: ترکیب کلمات، ترکیب اصوات، ترکیب رنگ ها و .... هنر در فرهنگ اروپا مترادف توانستن به کار رفته است که تعبیر آن، توانایی دریافت انسان از اشیا، طبیعت، انسان و ... است.

دریافت ها و الگوهای حاصل شده از هنرمند همراه باخیال پردازی هایش، با زبان خاص او عرضه می شود کار هنری پس از شکل گرفتن در ذهن هنرمند، از درون او می جوشد و به صورت اثری مستقل نمود می یابد. این اثر هنری بر زمینه های هنری دیگر هم تاثیر می گذارد همان گونه که داستان، شعر، نقاشی، تئاتر، موسیقی و دیگر هنرها از یکدیگر تاثیر می پذیرند و با زبان خود به بیان هنریشان شکل می دهند به این ترتیب یک اثر هنری تحت تاثیر هنرها و یا رویدادهای گوناگون شکل می گیرد، تکامل می یابد و گاه جاودانه می شود. به دیگر سخن هنرمند با عرضه اثر خود فکر و محتوای هنری آن را به موسیقی، شعر و دیگر هنرها منتقل می کند و از مجموع آن جریانی فرهنگ پدید می آید.

در فرهنگ اروپا، هر هنری به طور علمی بررسی و ویژگی های آن مشخص شده و شکل خاصی یافته است. در نتیجه ملاک هایی برای سنجش و ارزیابی هنرها به دست آمده است. طبیعی است که متخصصان هر رشته با شناخت ابعاد هنری آن، این ملاک ها را به اجتماع شناسانده اند و افراد غیرمتخصص هم باید شناختی کلی از مجموعه عوامل و ملاک های هر رشته هنری داشته باشند تا قادر به فهم و پی جویی جریان فرهنگی جامعه باشند. نکته مهم در خلق آثار هنری، آزادی هنرمند در خلاقیتش است که اساس آفرینش هنری به آن باز می گردد (زندباف، 1379).

## هنر موسیقی

زیبایی شناسی قبل از طرح در محدود ه انسانی، در آواز فرشتگان وجود داشته است. در نتیجه، تن های اصوات موسیقی بسیار قدیمی تر از پیدایش انسان است.

لغت موزیک که از یونان به اروپا منتقل شده، از نام « موزها <sup>1</sup>» که الهه های هفت گانه هنر بوده اند مشتق شده است (زندباف، 1379).

## موسیقی و تصویرهای انسانی

بسیاری از مردم موسیقی را خالص ترین می دانند که چندان از دنیای خارج یعنی طبیعت، جامعه و تاریخ، تاثیر نمی پذیرد. لیکن تاریخ موسیقی با این گفته مغایرت دارد. موسیقی از لحاظ سبک و شکل دستخوش تغییراتی شده است. مانند رنسانس، باروک، روکوکو، کلاسیک و روماتیک که اهمیت زیادی برای آهنگسازان دارد و با تغییرات مشابهی در هنرهای دیگر قرین بوده است. این تغییرات، منطبق بوده است بر تغییرات جامعه اروپا از سده پانزدهم تا نوزدهم.

موسیقی، تصویرهای «چشمی» یا «دیداری» به شیوه نقاشی و ادبیات از دنیای خارج فراهم نمی آورد. بلکه تصویرهایی «صوتی» از دنیای خارج می آفریند که همانند تقلید از آوازه های پرندگان، صدای راه رفتن و صدای باد و باران هستند. ولی اینها جنبه ظاهری هنر موسیقی به شمار می روند.

موسیقی از لحاظ شیوه بیان با هنرهای دیگر تفاوت دارد ولی از لحاظ ماهیت بنیادی اش به عنوان هنری که مجسم کننده پاسخ یا واکنش انسان به دنیای خارج، یا زندگی «درونی» وی است، تفاوتی با آنها ندارد. موسیقی، زندگی درونی انسان را به کمک آنچه می توان تصویرهای انسانی طی چهره های انسانی نامید، نشان می دهد. موسیقی فقط در اثر آمدن یک صدا از پی صدایی دیگر ساخته نمی شود، بلکه گونه ای توالی صداها که گوش بتواند آن ها را به صورت یک کل واحد دریابد، مانند عبارتی موزون یا نوایی خوش، موجب پدید آمدن یک قطعه موسیقایی می شود. این

واحد‌ها همان چهره‌های انسانی‌اند، زیرا حالت‌های ذهنی خاصی در آدمی بر می‌انگیزند. فرم‌های بزرگ‌تر مرکب از زنجیره‌های ملودیک، جانشینی و تغییر نواها، برخورد همزمان دو یا چند خط ملودیک، همایش‌های گوناگون «آکوردها» یا گروه‌هایی از نت‌های متفاوت که وقتی با هم نواخته شوند همچون نتی واحد با یک «آهنگ عاطفی» به گوش می‌رسند، ساخته می‌شوند. این فرم‌های پیچیده، موجب پیدایش حالت‌هایی روانی می‌شوند که همان «چهره‌های انسانی»‌اند.

برخی مدعی‌اند که موسیقی نوعی ارتباط صرفاً عاطفی است، بدین معنا که با ارتباط «فکری» یا «پنداری» تناقض دارد اما منطقی‌ترین افکار و اعمال نیز موجب پیدایش عواطف می‌شوند.

آثار «منطقی» و «غیرمنطقی» به یک اندازه می‌توانند عاطفی باشند. مثلاً هیچ موسیقی عاشقانه‌ای از لحاظ قدرت به عشق واقعی نمی‌رسد و هیچ سوگواری به اندازه از دست رفتن آنکه در نزد ما گرامی است، غم‌انگیز نیست. هنرها، مصنوعات دست‌بشر و آفریده‌های آگاهانه جسم و روح انسان‌اند.

هنرمند در آفریدن هر اثری کم و بیش از کل تجربه شخصی و اجتماعی‌اش بهره می‌گیرد. آنچه به دست می‌آید نه یک حالت تصادفی بلکه مجموعه‌ای از حالات تمرکز یافته روانی است که معرف نگرش خاصی به زندگی هستند. موسیقی حتی با آنکه در طی زمان پیش می‌آید و ساختارهایی پدید می‌آورد که دیدنی‌ی‌ا لمس‌کردنی نیستند، ماهیتاً چیزی عینی می‌آفریند که در بیرون از هنرمند و شنونده وجود دارد. از ویژگی‌های موسیقی این است که حتی پس از آنکه به روی کاغذ می‌آید، کار هنری واقعی اجرای زنده آن است. آنچه نوشته شده است، مجموعه صریحی از دستورالعمل‌های اجرای اثر است و موفقیتش به توانایی اجراکننده در هم نوا شدن با جهانگری هنرمند یا فکر او درباره زندگی بستگی دارد. احساس زیبایی‌شناختی، یا شناخت

زیبایی که نتیجه حالت خاصی از زندگی است. نقطه مرکزی هنرها از جمله موسیقی است و وجه تمایز هنر از زندگی به شمار می رود. موسیقی به دلیل نداشتن واژه یا تصویرهای عکس مانند به نظر می رسد که درونگراترین هنر باشد اما در همان حال اجتماعی ترین هنر نیز هست (فینکلشتاین، 1362).

وقتی آهنگساز از جریانی متأثر می شود، زمینه های لازم برای خلق اثر موسیقی فراهم می شود. این موسیقی دارای دو ویژگی شکل و محتواست.

شکل: طرز بیان موسیقی است، مانند: سونات<sup>۱</sup>، سمفونی<sup>۲</sup> و ...

محتوا: بیان آنچه که آهنگساز را متأثر کرده است، که با کیفیتی خاص بیان می شود.

## موسیقی در دوره های مختلف

انسان حیوانی بود که برحسب ضرورت زندگی جمعی را آموخت و کارشان به طور طبیعی و به نحو موزونی هماهنگ شد. مثل پارو زدن و شکستن هیزم. به علت فشار زیادی که به هنگام هیزم شکنی به آنها وارد می شد گاهی اصواتی از گلو خارج می کردند. به تدریج این اصوات شکل کلمه به خود گرفت که در تکامل خود به ترانه های ابتدایی مبدل شد. با ریتم یکنواخت ضربت بالا و پایین هیزم شکنی صوت تولید می شد. ترانه های ریتمیک اولیه با الهام از این اصوات بوجود آمد که به نوبه خود در افزایش میزان کارشان تاثیر گذاشت. این حرکت اولیه، آغازگر موسیقی تاریخ است (زندباف، 1379).

---

<sup>1</sup>-Sonate

<sup>2</sup>-Symphony